



نگاهی به مانچوریا

تحقیق آقای مولوی محمد یعقوب خان
ترجمان انجمن ادبی

چند ماه پیش در مشرق اقصی ابرهای محاربه فضای مانچوریا را فرا گرفته و انظار عالم را با تشویش زیاد به تسایح و خیم آینده جلب نموده بود - بالآخره جنگ بزودی با ختم رسیده و مانچوریا از سلطنت چین مجزا و ظاهراً دارای یک پادشاه مستقلی گردیده و استقلال خود را رسماً اعلان نمود .

مانچوریا نام مملکتی است که بشمال مشرق چین خاص واقع و مساحت آن (۳۸۲,۰۰۰) مربع میل و تخمیناً یکنیم چند مملکت افغانستان است ، و قتیکه دول اروپائی با چین روابط تجارتی را آغاز نمود خاندان مانچو (۱۶۴۴ - ۱۹۱۱) بر سلطنت وسیع چین حکمرانی میکرد - و باید دانست که مانچوریا مسکن آباتی خاندان مذکور بود و از روز غلبه و استیلای مانچو با چین الحاق یافته است - قبل از اعلان استقلال ، بنام سه ایالت مشرقی ، (فنگتین و یاشنگ کنگ ، کی زین ، هیلنگ کیانگ) مشهور بود .



تاریخ مختصر مانچوریا

مانچوریا در تاریخ چین از زمانهای بسیار قدیم نمایان و حصه مهمی را داراست در ازمنه سابقه ریاستهای متعدد تیولی از خاندان چو بزرگ قسمت مانچوریای

جنوبی قابض و حکمران بودند - و وقتاً فوقتاً خاندانهای قوی تر چینی بر حصص مذکوره دست تعدی دراز میکردند - مجمله ریاست های بومی مانچوریا مشهورترین خیتانها بودند که در قرن دهم میلادی ازین قوم خاندانی موسوم به لیاو زمام ریاست در دست گرفت و آنها نه فقط بر قسمت مانچوریا حکمفرمائی میکردند بلکه قطعات « منگولیا » و « چلی » را نیز در تصرف خود آورده بودند - در قرن دوازدهم قوم « نوچن » خیتانها را بر انداخته دودمان « کین » را بر سر حکومت آوردند - کین ها که شانشی از قوم « نوچن » بودند چین شمالی را گرفتند ، ازان به بعد مغولها استیلا نموده « نوچن » هارا بر انداختند - در قرن شانزدهم میلادی مانچوها (پادشاه موجوده مانچوریا از همین خاندان است) زیر قیادت « نوارها چو » اقتدار و برتری حاصل کرده قوتی را نایل شدند که بالاخره در قرن هفدهم منجر به فتح کل چین گردید .

بعد از کشف امریکه (۱۴۹۲ میلادی) دول مغربی به آسیا شوق حکمرانی داشته و برای گرمی بازار تجارت مصروف شده هسپانیه و فرانس در صف اول قدم میزدند - انگلیس وهالیند نیز در تعاقب آنها روان بودند ، روس ها در دوره پتر کبیر به توسیع سلطنت پرداختند و در نتیجه در قرن هفدهم تهاجمات آنها طرف مشرق آغاز نموده بسرعت پیش رفت ، لیکن (کیانگ هسی) پادشاه آنوقت مانچو پیشرفت آنها را معطل نمود ، اما چون سلطنت مستبدانه و مطلق العنان چین با وجود وسعت زیاد به اصلاح نظام و اداره های حکومتی هیچ توجه نداشت لهذا در حالت جمود و خمود مانده بعد از فوت پادشاهان مقتدر از جلوگیری روس عاجز آمد یعنی بالاخره سلطنت تزاری روسیه در قرن نوزدهم (۱۸۵۸) بر کل علاقه شمالی دریای آمور قابض گشت ، و در سنه ۱۸۶۰ علاقه مشرق (آسوری) را گرفت در مرور این زمان سایر دول اروپائی بر سواحل چین تجارتخانه ها بنا نموده حقوق تجارتی از خاقان چین حاصل کرده رفتند و در ۴۹ بندر چین اروپائی ها آزادانه تجارت مینمودند - سلطنت وسیع چین بسبب ضعف خود دایما در مقابل مطالبات دول اروپائی ها سرخم کرده شرایط آنها را قبول میکرد و مراعات میداد و قوت اداره برای دولت و حکومت چین بدرستی باقی نمانده

ملت را به انقلاب مشهور سنه ۱۹۱۱ مستعد نمود .
 درین ضمن ملت ییدار جاپان مال کار را دیده بسرعت فوق العاده به تهیه وسایل ترقی
 و ذرایع حفاظت از دست تجاوز اجانب متوجه گردید و بالعکس جاپان نه اینکه خود را
 صیانت نماید بلکه اقدامات دول اروپائی را در چین نیز نایک درجه منع کرده توانست
 و در عین حال میخواست که خودش استفاده کند - در سنه ۱۸۹۵ جاپان جزیره تسمای
 (لیاو تنگ) را قبض نمود ، لیکن روس این تفوق جاپان را در میدان عالمگیری خود
 خار راه دیده به امداد فرانسه و جرمنی علاقه مذکور را به چین مسترد نمود - متعاقباً خود
 روس در همین سال ۱۸۹۵ اول اجاره بندر (آرتهر را) تالیست و پنجسال گرفته و فوراً
 یک خط آهن را (از هاربن) الی مکدن تمدید نمود - ثانیاً در سنه ۱۹۰۰ روس فوجی
 در مانچوریا گسیل نمود تا بغاوت (بکسرها) را فرو نشاند - و بعد ما با وجود اجتماعها
 در اعاده فوج خود لیت و اعلی نموده حتی در مقبوضه خود به تعمیر استحکامات پرداخت -
 جاپان ، برطانیه و ریاستهای متحده امریکه هر چند خواستند روس را ازین حرکات باز
 دارند ممکن نشد - بالاخره جاپان از موجودیت کوریا اندیشه مند گردیده و در سنه ۱۹۰۴
 خلاف روس اعلان جنگ داده و در نتیجه روس را مغلوب نمود ، بواسطه معاهده
 پور تسمتبه مقبوضات روسیه را متصرف گردید - از روی این معاهده اجاره خط آهن
 بجنوب (چانگچون) به جاپان تعلق گرفت ، و او درین ناحیه بغرض ترقی وسایل اقتصادی
 خود کوشش و مساعی بکار برده نسبت به روسیها در علاقه مانچوریا خوبتر قایم و محکم
 گشت ، روسها هم در مرور زمان عده کثیر روسی را در مانچوریا آباد نموده رفتند .
 در سنه ۱۹۱۵ جاپان جنگ عمومی و گرفتاری ملل اروپائی را غنیمت شمرده از چین
 بیست و یک مطالبه نموده اجاره خود را تا به ۹۹ سال امتداد داد - در سنه ۱۷ - ۱۹۱۸
 روس از باعث انقلاب داخلی خبیلی مضمحل و پریشان گشت و احتمال میرفت جاپان بفرانت
 در قوای خود افزوده خواهد رفت ، اما در ظهور حکومت سوویتی نفوذ روس باز در مشرق
 جان گرفت و بقرار معاهده سنه ۱۹۲۴ در خط آهن چین مشرقی ، مکرراً شرکت نمود .

 حدود جغرافیائی 

حدود جغرافیائی مانچوریا بصحت معین نیست - حدود بین المللی آن بالعموم گذرگاههای دریا های ارگون، آمو، واسوری بقسم خط فاصل مابین سلطنت های چین و روس بواسطه يك سلسله معاهدات اختیار کرده شده، اولین معاهده در سنه ۱۶۸۹ بمقام « نرچنسک » امضاء شده بود یعنی زمانی که روس طرف مشرق به توسیع سلطنت اقدام نموده بود - حدود روسی بواسطه معاهده « نرچنسک » تا به « ارگون » بواسطه معاهده ایگون (۱۸۵۸) تا به « آمو » و بواسطه معاهده پیکنگ سنه ۱۸۶۰ تا به اسوری پیش آمد - ازین تمديدونگهای بر نقشه مانچوریا ظاهر میشود که مانچوریای شمالی هدف حملات روسی است، دریای « تومین » و « یالو » از وقت خاندان « منگ » حد فاصل مابین کوریا و مانچوریا قرار یافت، و همراه وسعت زراعت و تزايد کوچ نشینان چینی حدود مانچوریا طرف مغرب در منگولیا در آمده رفته است.

(مهاجرت چینی ها در مانچوریا)

پیشتر گفتیم که خاندان مانچو از مانچوریا (۱۶۴۴ - ۱۹۱۱) بر کل چین حکمرانی میکرد - این مانچوها مملکت مانچوریا را سرزمین اخذ سربازان می شمردند تا بزور با زوی این عسکر مانچوریا بر چین حکمرانی کرده بتوانند نظامات فرنگی این مهاجرت چینی ها در نفوس و حالت اقتصادی مانچوریا اهمیت بزرگی را دارد، مانچوها در اوایل تا عرصه دراز چینی ها را اجازه آباد شدن به مانچوریا ندادند - لیکن در سنه ۱۷۷۶ حکومت چینی ها را اجازه داد که به علاقه « فننگتین ایالت جنوبی مانچوریا » هجرت کرده آباد شوند - در اواخر قرن نوزدهم خاندان شاهی مانچو مجبور شده اجازه داد که به علاقه « کی رین » هم اقامت کرده میتوانند - عده کثیر دهقانهای چین شمالی در قطعات لامزروع مانچوریا که از باعث عسکر گیری قریباً غیر آباد شده بودند رهائش اختیار کردند، نفوس چینی بدین تعداد زیاد هجرت کردند که احصائیه مانچوریا به اختتام قرن نوزدهم به ۱۴ میلیون رسید و هشتاد فیصد چینی ها بودند - درین مهاجرت عموماً مردها

از چین آمدند و با زنهای مانچو ازدواج نمودند - اکنون مانچوهای خالص فقط در مانچوریای شمالی در علاقه « ایگون » یافت شده میتوانند و آنها اخلاف عسکریانی اند که شهنشاهان مانچو در وادی آمور آباد کرده بودند.

علاوة تصرف جاپان بر مانچوریا هم چینیها را به مانچوریا جلب کرد - چرا؟ جاپانیها از سنه ۱۹۰۵ در مانچوریا پول زیاد (۲۳۰ الی ۵۰۰ میلیون پوند) خرچ کرده حالت اقتصادی و زراعتی مانچوریا را که پیشتر از باعث عسکرگیری و بی انتظامی بدرجه صفر بود بسیار ترقی دادند، و از روی معاهده پورتسمته در انجا فوج نگاه میکردند تا حفاظت « ریل مانچوریای جنوبی » و تبعه جاپانی را نمایند، بعد از انقلاب چینی و خلع پادشاه (۱۲ - ۱۹۱۱) چون در داخله چین قحط و خانه جنگی و کشت و خون و خطر جان و مال حکمفرما بوده چینیها ازین بدامنی و اختلال کناره جسته به تعداد زیاد بعلاقه پر امن مانچور پناه آورده آباد شده رفتند، اول مزدوران چینی از چین شمالی بوقت فصل میآمدند و قریباً نصف و یا سه ربع پس میرفتند، بعدها این مهاجرت فصلی مزدورها صورت يك هجرت مستقل خانوادهها را گرفته چنانچه در سنه ۱۹۲۷ يك میلیون نفر و در تابستان سنه ۱۹۲۸ چهل هزار نفر بيك هفته در مانچوریا داخل شدند - این دهقانها در قرب وجوار خطوط آهن برهائش اختیار کرده در مرکز و جنوب مانچوریا آباد شده میروند - در جولائی ۱۹۲۷ احصائیه مانچوریا ۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰، ۲۴ از انجمله ۹۰ فیصد چینیها بودند و در سنه ۱۹۳۲ تا به ۲۷ میلیون رسیده است لیکن نفوس جاپانیها فقط تا به (۲۵۰،۰۰۰) نفر است.

تغییرات در وضعیت مانچوریا

ظن غالب همین است که کثرت نفوس چینیها بر استقلال سیاسی مانچوریا يك اثر مهمی خواهد انداخت و غالباً باچین اتحاد قومی را پیدا خواهد کرد، معیناً از سالهای آخری مانچوریا صورت يك علاقه سرحدی را اختیار کرده است و برای نام ما تحت جمهوریة چین میباشد، و دول خارجه خصوصاً روس و جاپان نگاه حرص و آرزوهای او دوخته اند،

و قتیکه در اواخر قرن نوزدهم چین بسیار کمزور شد دول خارجه خواستند که اول بنام و تحت الحمايه ، مانچوریا و باقی حصص چین را زیر اثر خود داشته منافع تجارتي حاصل نمایند روس تزاری تصمیم داشت مانچوریا را ، استحکام شرقی ، سلطنت وسیع خود سازد و جاپان محتاج بود که نفوس متزایده خود را در آنجا آباد کند و از استعداد زراعتی و فراوانی معدنیات آن استفاده نماید .

بعد از غلبه جنگی ژاپان بر روس اگر رسمی نباشد هم ژاپان حقیقتاً بر مانچوریا رسوخ و نفوذ مکمل دارد و مطالبات بیست و یک گانه مشهور ژاپان برین اقتدار او بسیار تأیید کرده است .

در مجلس و اشنگتن سنه ۲۲ - ۱۹۲۱ اگرچه جاپان یکی از نه دولتی بوده که ، معاهده نه دولتی ، را (Nine Powers Pact) بوجود آورده بودند - و از روی این معاهده پالیسی ، منطقه زیر اثر ، را کلیه رد و اصول ، باب مفتوح ، را قبول کرده بودند و جاپان ضمناً بعض تخفیفاتی راجع به ، اجاره ریل ، داد لیکن در اساس و وضعیت او هیچ تغیر واقع نشد ، بدوران خانه جنگی چین که بلا فاصله بعد از سنه ۱۹۲۲ برپا است جاپان اقتدار و قوت خود را در مانچوریا استوار نموده رفت و بوسیله اقامت فوج خود امنیت عامه را در مانچوریا نگاه کرد ، جاپان بغرض ترقی زراعت و خط آهن و اخراج معدنیات قریباً از ۲۳۰ الی ۵۰۰ میلیون پوند بکار انداخته است ، و کل خط آهن متعلق جاپان هفت صد میل مسافه دارد .

رتال جامع علوم انسانی (ثروت زراعتی و معدنی مانچوریا)

کل جزایر جاپان قریباً کوهی است و اگرچه از باعث فراوانی باران به زراعت مستعد است لیکن نفوس متکاثره جاپان میدان زراعت کاری را بسیار تنگ کرده و چون میدانهای وسیع در آنجا نیست تربیت حیوانات هم مشکل گردیده لذا جاپانی ها در جزیره نمسای کوریا برای تربیه مواشی چرا گاه ها نگاه داشته ، بعلاوه چون جاپان اقلیم مرطوبی دارد برای نساجی نهایت مساعد است برای اینکه پشم آنها برای نساجی بسهولت و قیمت

نازل بدست آید باید چراگاه‌های زیادی نه تنها در کوریا بلکه در مانچوریا هم آباد کند؛ مانچوریا برای تکمیل این مدعا میدانهای وسیعی دارد. زمین وسیع و میدانی مانچوریا برای زراعت نهایت مستعد است، از همین باعث چینی‌ها به تعداد زیاد بمانچوریا هجرت کرده میروند چینی‌ها از قدیم الایام در کسب زراعت مهارت دارند و به مزدوری قلیل کار کرده میتوانند اما باشندگان کوریا نسبت بچینی‌ها زیاده‌تر جفا کش میباشند و بخوراک بسیار معمولی گذران میکنند اینها هم بمانچوریا آباد شده میروند و از باغی که رعایای جاپان هستند با نسبه برای آنها سهولت‌ها مهیا است مابین این هر دو طائفه رقابت هم موجود است.

در مانچوریا کتان بسیار اعلی که از کتان بلجیم نفیس‌تر و چقدر که از چقدر جرمنی بهتر است، میروید و در بعضی حصص گندم میشود لیکن مهمترین ثروت زراعتی مانچوریا باقلاست این پیداوار برای مانچوریا بطوری اهمیت دارد و سودمند است مثلیکه نیشکر برای جزیره کیوبا و کافی برای برازیل — عایدات سالیانه آن خیلی زیاد و نیز مساعد حاصل خیزی زمین است مثلیکه روغن و طعام برای زندگی انسان و حیوان ضروریست. معدنیات مانچوریا عبارت است از طلا، نقره، آهن، و زغال سنگ لیکن آهن و خصوصاً زغال سنگ بسیار فراوان است چنانچه میگویند که مقدار زغال سنگ مانچوریای جنوبی بیست چند همه جزایر جاپان و هیچ مملکت دنیا من حیث زغال سنگ با آن همسری کرده نمیتواند، با وجود این دارائی‌های زیاد مانچوریا جاپانی‌ها در آن جا خلاف توقع بتعداد زیاد آباد نگردیده و کسانیکه هستند منتظمین و ملازمین خط آهن، نظامی‌ها، و دکاندارها میباشند زیرا جاپانی‌ها وطن خود را بسیار دوست دارند و از مساکن خود هجرت و مفارقت را چندان خوش نمیکنند، معیناً هجرت آنها نسبت بمانچوریا جانب برازیل بیشتر است و احتمال می‌رود که در زمان قریب تزايد نفوس چینی و دیگر ضروریات سیاسی آنها را مجبور سازد که بمانچوریا هجرت نمایند.

الحاصل جاپان میتواند:

بقرار معاهده پورتسمه (۱۹۰۵) بطور آتیه از مملکت مانچوریا استفاده کند -

جاپان مانچوریاراً « مانچوریای جاپانی » نامیده میتواند - « ریل مانچوریای جنوبی » « ازویرین »
الی « چنگچون » (پایه تخت حالیه) که سابقاً روسیهها آنرا تمدید کرده بودند به جاپان
تعلق گرفت و شاخ ریلی را که « مکدن » را به « انتونگ » ملحق بسازد نیز جاپان قبض
نمود - جزیره نمای « لیاو تنگ » (بندر آرتز بگوشه انتهائی جنوبی آن واقع است
ویرین به مشرق بندر آرتز) دارای مساحت (۱۴۴۱) مربع میل و انجم « ریل
مانچوریای جنوبی » را با جاره گرفت -

نیز بقرار « معاهده سنه ۱۹۱۵ اجاره » گوان تنگ « تا سنه ۱۹۹۷ و از خط آهن
مانچوریای جنوبی » تا سنه ۲۰۰۲ و از « خط آهن آنتونگ مکدن » تا سنه ۲۰۰۷
به جاپان داده شده است - جاپان میتواند اجاره های خرد را طول بدهد - میتواند از
معدنیات مانچوریا استفاده نماید - جاپان حق دارد در مانچوریای جنوبی زمینی را با جاره
بگیرد - دولت چین اختیار ندارد که در مسابقه و مقابله « خط آهن مانچوریای جنوبی »
کدام ریلی از خود تعمیر نماید - اما « معاهده نه دولتی » اقتدار چین را بر مانچوریا تسلیم
وصیانت مینماید و کل دنیا حقوق تجاری در مانچوریا مساویانه دارد -

(علل بحار به چین و جاپان سنه ۱۹۳۱) -

برای توضیح مطلب باید تکرار کنیم - ملت چین در مقابل تجاوزات مکرره دول بکرات
و مرآت احتجاج ها و اعتصابهای شدید نموده است؛ مثلاً در سنه ۱۹۰۵ « یائیکات (قطع روابط)
مقابل ریاست های متحده امریکه نمود در سنه ۱۹۰۸ « وائینگ » و سنه ۱۹۲۷ خلاف
دولت برطانیه اعتصاب کرد؛ بالاخره در سنه ۱۹۳۱ « اعتصاب شدیدی بر علیه جاپان نمود حتی
در هر شهر چین اموال جاپانی را در دادند و جان و مال اتباع جاپان بخطر افتاد .
ملت چین در اثر فشار های زیاد خارجی مجبور بانقلاب و خلع پادشاه خود گردیده؛
(این پادشاه عبارت بود از پادشاه حالیه مانچوریا که در سنه ۱۹۰۶ پیدا و در سن
دو سالگی پادشاه چین و در سنه ۱۹۱۲ مخلوع شد در سنه ۱۹۲۲ دختر یک رئیس مانچوریاراً
از دواج کرد) اگر چه ملت چین میخواست حقوق غاصبانه دول خارجه را رفع و یک
حکومت قوی جمهوریه چین را تشکیل دهد؛ لیکن بعد از انقلاب نایره خانه جنگی

افروخته شده چین را فرصت و مهلت نداد که بمقصد خود نایل گردد : معاهدها با وجود ضعفی که داشت بعضی امتیازات دولت ها را مسترد نمود و نیز خواست در مانچوریا اقتدار قدیم خود را مجدداً قائم و استوار ساخته جمله امتیازات سیاسی و اقتصادی روس و جاپان را محو نماید - بقرار معاهده چین حق نداشت که در مانچوریا بدون موافقت جاپان خط آهن را تمدید کند جمهوری چین معاهده را يك نوع غصب حقوق و توهین خود شمرده خط آهن را متوازی و ریل مانچوریای جنوبی ، تمدید نمود .

جاپان که از نفوس روز افزون چینی ها در مانچوریا و قیام و قوت گرفتن حکومت جمهوری چین می اندیشید الحاق مانچوریا را ضروری پنداشته بهانهائی را میباید اگرچه جاپان پابندی معاهده نه دولتی ، را اعلان میکند لیکن حقیقتاً خواهان تجزیه مانچوریا از چین است . جاپانی ها بغرض محافظت ریل به همراه خط آهن تهاه ها را ساخته بودند و چینی ها بالمقابل در مانچوریا فوجی را فراهم کرده بودند .

جاپانی ها دعوی نمودند که چینی ها قصداً يك حصه ریل مذکور را بواسطه دینامیت پرانده اند و متعاقباً يك کپتان جاپانی موسوم به « ناکامورا » که با هیئت خود برای تفتیش خط آهن تا ون سولون ، برآمده تحقیقات میکرد از طرف چینی ها بقتل رسید - قتل کپتان مذکور آتش سحار به چین و جاپان را مشتعل کرد (۱۸ ستمبر سنه ۱۹۳۱) - و این همان وقایعی است که اغلب مطبوعات ملل ماها از آن ذکر مینمودند .

(دعوی جاپان)

دولت جاپان اظهار میدارد که : - جاپان این حقوق را در مانچوریا بعد از ریختن خون هزار ها فرد عزیز وطن حاصل کرده است پس چطور آنرا گذاشته میتواند در حالیکه روس تیار است در صورت کمزور شدن ژاپان فوراً مانچوریا را الحاق نماید مثلیکه بر منگولیا غلبه نموده است - چین حق نداشت که کدام خط آهن تعمیر نماید لیکن او ریلی را متوازی و خط جنوبی ، تمدید کرده است تا فوج خود را نقل و حرکت داده بتواند باید چین پابندی معاهده ها را داشته باشد - مثلیکه دول دیگر امتیازات و مراعات از چین حاصل کرده اند جاپان هم حقوقی بدست آورده و تا وقتیکه دیگر دولتها امتیازات خود را از دست



امپراتور سابق چین هان تنگک (با کلاه سلیندر) برقراری خودش را برپاست حکومت جدید منچوریا
 اعلان می نماید
 در صف اول طرف چپ شاه شخص دوم : جنرال جاپانی (هانجو) و شخصیکه در اخیر سمت چپ مشاهده
 میشود کنت پوشی وای جاپانی میباشد .
 نصب و برقراری « هانگک تنگک » امپراتور خورد سال سابق چین برپاست حکومت جدید منچوریا
 در (چانگک چن) پایتخت جدید در حضور کنت یوتی وا (وزیر خارجه سابق جاپان و رئیس راه آهن
 جنوب منچوریا) و جنرال (هانجو) (قوماندان قوای جاپان در منچوری) در ۹ ماه مارچ بوقوع پیوست .



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

رتال جامع علوم انسانی

نمیدهند جا پان نیز از حقوق خود نمیگذرد - بعلاوه ژاپان در زمانه خانه جنگی های مدش دا خلی چین که مال و جان اتباع خارجی و رعایای خود چین در معرض خطر و هلاکت بود با مصارف گزاف فوجی امنیت را قائم داشته است و بالعکس تمام چینی ها به امداد و اجبار حکومت چین در مقابل ژاپان مقاطعه میکنند .

وضعیت حاضره مانچوریا

اگرچه حکومت چین درین جنگ مغلوب شده است ولی از دعوی مانچوریا دستبردار نگشته - چنانچه بعض افراد هنوز بنام «قطاع الطريق» شور و شریا میکنند و حکومت جدید را قبول ندارند و جاپان آنها را بقوه حربی خود سرزنش مینماید - اگر زار عین چینی برغلبه جاپانی ها اعتراض نداشته باشند لیکن سیاسیون چینی استیلای آنها را بهیچ طریق برداشت کرده نمیتوانند .

بهر حال در مانچوریا يك «حکومت مستقل آزاد» تشکیل شده و «هسوان تنگ» «شهنشاه خورد سال مخلوع» چین پادشاه مانچوریا بعنوان «چن چنگ» (دکشا تور) اعلان گردیده - جاپان مانچوریا را «خط اول مدافعه» خلاف تجاوزات روسیه می شمارد نه بر علیه چین .

روس چرا درین جنگ شراکت نوال زید؟

پیشتر گفتیم که روس میخواهد مانچوریا را «استحکام مشرق» سلطنت وسیعه خود سازد لذا در مانچوریا نفوس زیاد روسی آباد شده و «خط آهن چین مشرق» زیر مراقبت آنها قرار گرفت و در منگولیا اثر آنها بسرعت زیاد شده میرفت - پس چرا ازین موقع استفاده نکردند؟ يك مسئله ایست قابل سوال - قارئین میدانند که در سنه ۱۸۹۴ روس با امداد فرانسه و جرمنی دولت جاپان را از جزیره نمای «لیاوتنگ» کشید و خودش بران قابض گشت - برطانیه، ریاستهای متحده امریکه و جاپان خلاف این قبضه احتجاج نمودند لیکن روس قبول نکرد با لآخره محاربه روس و جاپان به وقوع پیوسته روس شکست خورده از علاقه مذکور برآمد - درین محاربه انگلیس کمک زیادی به جاپان

نموده بود گویا این جنگ در اصل محاربه بود مابین روس و برطانیه با این حال روس به چشم سر می بیند که هیچ دولت درین معامله معاون و مددگار حقیقی او نیست پس تنها از عهده این جنگ برآمده نمیتواند — معینا بعض روسیها ازین وضعیت جاپان در حق چین متاثر شده برای اقدام حاضر اند و روسها از داخل مملکت خود هم مطمئن میباشند پس یقین است که مسئله مانچوریا در بین روس و جاپان آتش جنگ را خواهد افروخت و شاید امن تمام دنیا را در خطر خواهد انداخت.



(شاعر بلبل و پروانه)

شاعر

ای بلبل خوشنوا ایستان	این ناله و زاری و فغان چیست
هر صبح و ماسحوی غزلخوان	مقصود غزلسرائیت چیست
در آتش عشق روی تابان	از جان و تنت بگو چه باقیست
ای مرغک ناتوان نادان	زینسان بجهان نمی توان زیست

گلزار به نیم جان نبرد

بلبل

ای بلبل گلشن معانی	از داغ دلم خبر نداری
کیفیت ناله ام آنچه ذاتی علوم انسانی	در سینه زغم اثر نداری
نا محرم سوزش نهانی	شاید که دل و جگر نداری
پیوسته بشغل شعر خوانی	کاری بجهان مگر نداری

صد شعر به یک فغان نبرد

پروانه

ای بلبل و شاعر غزلگوی	سرمایه تان سخن طرازیست
بیهوده چراست این من و تو	عشق است بلای جان نه بازیست
باشید زدها مدعا جو	یک عمر بصرف کام سازیست
کار من ناتوان کم گو	بر شعله حسن جان گدازیست

صد سود باین زبان نبرد

معارف اعظم گنده